

ମିଳନ

ରଘୁ କୁମାର

ରଘୁକେର ରଘୁ ନିକେଶକେର
ମିଳନ

2010 ମାର୍ଚ୍ଚ ୪

محتویات

فصل اول

..... 3	فصل اول
..... 4	فصل دوم
..... 6	فصل سوم
..... 9	فصل چهارم
..... 11	فصل پنجم
..... 13	فصل ششم

فصل دوم

..... 15	اسطوره های بین النهرینی
..... 18	اخبار
..... 19	کوچ
..... 20	تأثیر زبان سریانی در فارسی
..... 21	درباره جشن آغاز بهار
..... 22	طبیعت و فواید آن

2010

تسڈن تہ ذمہ دارانہ فہمہ دہمہ - مہمتہ
مہمتہ مہمتہ دہمہ فہمہ تہمہ تہمہ
مہمتہ مہمتہ فہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ

تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ

تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ
تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ تہمہ

תַּשְׁמַחַתְּ בְּיָמֶיךָ, וְיָדֹעַ שֶׁמִּשְׁמַחַתְּ לָךְ כִּי תִשְׂמַחַתְּ
 מִבְּיָמֶיךָ וְיָדֹעַ שֶׁמִּשְׂמַחַתְּ לָךְ כִּי תִשְׂמַחַתְּ
 לְתַבְּרִיכְךָ וְיָדֹעַ שֶׁמִּשְׂמַחַתְּ לָךְ כִּי תִשְׂמַחַתְּ
 אֶתְּמַחַתְּ לָךְ דְּבִיבְךָ חֲדָשׁוֹת מִיָּד לָךְ
 חֲדָשׁוֹת מִיָּד לָךְ זֶה בְּיָדֶיךָ וְלָךְ לָךְ
 יָדֹעַ שֶׁמִּשְׂמַחַתְּ לָךְ דְּבִיבְךָ חֲדָשׁוֹת

מִן תִּשְׂמַחַתְּ לָךְ וְיָדֹעַ שֶׁמִּשְׂמַחַתְּ לָךְ
 וְיָדֹעַ שֶׁמִּשְׂמַחַתְּ לָךְ דְּבִיבְךָ חֲדָשׁוֹת
 לָךְ לָךְ לָךְ, יָדֹעַ שֶׁמִּשְׂמַחַתְּ לָךְ חֲדָשׁוֹת
 לָךְ לָךְ דְּבִיבְךָ חֲדָשׁוֹת לָךְ לָךְ
 לָךְ לָךְ חֲדָשׁוֹת: מִיָּד לָךְ לָךְ לָךְ
 לָךְ לָךְ לָךְ לָךְ לָךְ לָךְ לָךְ לָךְ לָךְ

מִיָּד לָךְ - חֲדָשׁוֹת*

*מִיָּד לָךְ - חֲדָשׁוֹת דְּבִיבְךָ (1910 - ?) חֲדָשׁוֹת
 מִיָּד לָךְ חֲדָשׁוֹת מִיָּד לָךְ חֲדָשׁוֹת מִיָּד לָךְ
 מִיָּד לָךְ לָךְ יָדֹעַ שֶׁמִּשְׂמַחַתְּ לָךְ
 ❖ חֲדָשׁוֹת: מִיָּד לָךְ לָךְ, לָךְ
 ❖ חֲדָשׁוֹת: , לָךְ

فِئَتِي دِهَلَتِي (جَنَدِي): - اَمَسَب جِهَتِي، دِهَمَتَاكِي، اَمَتِي دَتَتَا
 تَا. جِهَتِي فَايَاكِي لَدِيكِي مَب اَسَمَا اِمَلَقِيكِي مَحَلِي كِي
 لَدِيكِي مَلِيكِي لِي اَمَتِي مَلِيكِي اَمَتِي مَلِيكِي كِي لَمَلَقِيكِي
 مَهَتَلَسِي، نَبِيكِي مَب جِهَتِي دِهَمَتِي دِهَمَتِيكِي مَدِي كِي تَكِي
 كَدَقِي دِهَمَتِي اَمَتِي كِي اَمَلَقِيكِي (بيله اش). جِي اَمَلَقِيكِي كَدَقِي
 لَتَا، تَوَاكِي اَمَلَقِيكِي مَهَمَتِيكِي اِمَلَقِيكِي مَهَمَتِي كِي كَدَقِي
 ، جِهَتِي مَهَمَتِيكِي اَمَلَقِيكِي (بوته ها) دِي اَمَلَقِيكِي مَهَمَتِيكِي. كَدَقِي
 دِي كِي تَكِي: - اَمَتِي مَهَمَتِي اَمَتِي جِهَتِي (مَل مَل)، دِي
 دِهَمَتِي دِهَمَتِي، اَمَتِي تَا جِهَتِي.

جِهَتِي مَهَمَتِيكِي نَبِيكِي مَهَمَتِيكِي مَب اَمَتِي مَهَمَتِي كِي
 لَمَلَقِيكِي. تَكِي دِهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي، اَمَلَقِيكِي ، مَهَمَتِيكِي، مَدِي
 تَكِي دِي مَهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي
 دِهَمَتِي. مَهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي. كَدَقِي اَمَلَقِيكِي
 دِي اَمَتِي دِهَمَتِيكِي، اَمَتِي لَدِيكِي، اَمَتِي لَدِيكِي، اَمَتِي لَدِيكِي
 دِهَمَتِي ، فَايَاكِي اَمَتِي اَمَتِي مَهَمَتِي كِي مَهَمَتِيكِي لَدِيكِي .
 كَدَقِيكِي دِهَمَتِي تَكِي تَكِي، مَهَمَتِي كِي مَهَمَتِيكِي اَمَتِي دِهَمَتِي
 اَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي جِي دِهَمَتِي مَب فَايَاكِي اَمَتِي دِهَمَتِيكِي، مَهَمَتِيكِي
 تَكِي مَهَمَتِيكِي دِهَمَتِيكِي مَهَمَتِيكِي دِهَمَتِيكِي اَمَتِي دِهَمَتِيكِي دِهَمَتِيكِي
 اَمَتِي اَمَتِي دِهَمَتِيكِي.

مَهَمَتِيكِي دِهَمَتِيكِي
 مَهَمَتِي 2010

اسطوره های بین النهرینی

از این شماره مطلبی را آغاز خواهیم کرد با عنوان اسطوره های بین النهرینی، با این باور که وجود هر قومی به آداب و رسوم و زبان و فرهنگ آن قوم وابسته است. ما بعنوان یک آشوری نمی توانیم از کنار تمدنی که از کهنترین تمدنهای زمین است بی تفاوت بگذریم. زیرا خود آگاهی از لازمه های زندگی انسان میباشد. در عین حال از نقطه نظر هنری نیز لازم است این اسطوره ها مورد دقت و بررسی قرار بگیرند زیرا از جمله زیباترین و عمیق ترین اندیشه های بشری هستند. اسطوره های بین النهرینی شامل حماسه های: آفرینش، گیلگمش، اررا، اتانا، ادپه، فرود ایشتار به جهان زیرین، نرگال و ارشکیگال، اتره و خسیس و سرآخر انزو و ... میباشد.

اسطوره فرود ایشتار به جهان زیر زمین، مبین دیدگاه ساکنین بین النهرین قدیم در پاسخ به چرایی مرگ طبیعت در زمستان و رستاخیز آن در فصل بهار است. این اسطوره یکی از زیباترین اسطوره های جهان و اساس و پایه جشنهای بهاری قرار گرفته است. خلاصه داستان بدین ترتیب است که پس از مرگ تموز حیات از روی کره زمین رخت بر می بندد، گیاهان می میرند و زاد و ولد بر روی زمین متوقف میشود. پس ایشتار در پی تموز، به جهان زیرین یا دنیای مردگان فرود می آید تا تموز را از آن مکان نجات دهد و به این ترتیب زندگی به جهان بازگردد.

فرود ایشتار به جهان زیرین

جهان زیرین جهانی تاریک، غم انگیز و مکانی بی روح و هولناک است که خواهر ایشتار (ارشکیگال) ملکه آن است.

ایشتار به دروازه کورنوگی میرسد و قصد ورود دارد:

" آی دروازه بان، دروازه خود را به روی من بگشای،
دروازه خود را بگشای تا من وارد شوم!
اگر دروازه خود را نگشایی تا من وارد شوم،
کلون را میشکنم و دروازه را خرد میکنم،

کند. او باید تقاضا کند تا مشک آبی برای او بیاورند و وانمود کند که میخواهد از آن بنوشد اما قطراتی از آن را روی ایشتر بریزد تا او دوباره زنده شود. اما این تدبیر شکست میخورد و ارشکیگال که در آغاز مفتون او شده بود ناگهان زبان به نفرین او می‌گشاید و ناسزاهای درشت نثار او میکند:

" نان آلوده به طاعون های شهر خوراک تو باد،

گنداب شهر تنها آبشخور تو باد،

سایه دیوار یک شهر تنها جایگاه تو باد،

آستانه درها، تنها نشستگاه تو باد،

میخوارگان و تشنگان بر گونه ات سیلی بزنند."

اما در ضمن ناسزا گفتن، ایشتر را مورد عفو قرار داده و به نمتار دستور میدهد که بر او آب زندگانی بپاشد. ایشتر راهی را که آمده بر می‌گردد و از همان هفت دروازه که آمده بود، خارج میشود و در هر یک از دروازه ها نشانه های آسمانی خود را، یعنی نخست جامه با شکوه و در پایان تاج بزرگ خود را باز پس میگیرد.

این حماسه به این صورت به پایان می‌رسد که ایشتر بهای آزادی خود را به قیمت از دست دادن دومی (تموز) می‌پردازد که در آینده در جهان زیرین مأوا خواهد گزید. وی هر سال یک روز به روی زمین باز می‌گردد و در آن روز مراسمی به اجرا درمی‌آید. این ماجرا احتمالاً به آیین تکلیم تو باز می‌گردد که در ماه تموز (جولای) انجام می‌گرفت و طی آن مجسمه ای از تموز به حمام برده و تدهین می‌شد و در نینوا در معرض تماشا قرار می‌گرفت. در یک نسخه دیگر از این اسطوره، ایشتر و ارشکیگال چنین توافق می‌کنند که تموز شش ماه از سال را در زیر زمین (دنیای مردگان) و شش ماه دیگر را بر روی زمین بگذراند. و این رفت و برگشت است که تغییر فصول و جابجایی بهار با زمستان را تفسیر می‌کند.

برگرفته از کتاب اسطوره های بین النهرینی

نوشته هنریتا مک کال

تنظیم: شامیرام داود پوریان

اخبار

- دو تن از دوستان عزیز انجمن شامیرام (دکتر نینوس اوراهیم و خانم کلودت بابایی) در سوگ عزیزان خود نشسته اند. دوستان عزیز ما را در غم خود شریک بدانید. خداوند رفتگان شما را قرین رحمت فرماید. روانشان شاد.
- کتاب مجموعه اشعار آقای باباجان لازاریان توسط بخش فرهنگی انجمن بانوان آشوری شامیرام منتشر شده و در دسترس علاقمندان شعر و ادب آشوری میباشد. برای ایشان آرزوی موفقیت‌های هر چه بیشتر داریم.
- دوستان بسیار عزیز ما آقای گورگیز عیسی خانی، دکتر ایوان پطروس و بانو نینوی پطروس از شهر اورمیه با این انجمن تماس گرفته و ضمن ابراز محبت و تشویق، آمادگی خود را جهت همکاری با این بولتن اعلام کرده اند. ضمناً با ارسال تعدادی از مقالات و نوشته های خود ما را رهین محبت‌های خود نموده اند. ضمن قدردانی از این دوستان خوب که هریک، از فعالان محترم و دلسوز و آگاه جامعه آشوری میباشند برایشان آرزوی موفقیت و سلامتی می کنیم. امیدواریم در سایه لطف و عنایت این دوستان بتوانیم فعالیتی مؤثرتر و مفیدتر داشته باشیم و جوابگوی محبتشان باشیم.
- خانم کلودت بابایی، از اعضای انجمن بانوان آشوری شامیرام و از بانوان تحصیلکرده و فعال آشوری هستند. ایشان در زمینه ورزشی نیز فعالیت دارند و تا کنون به کسب موفقیت های قابل توجهی نایل آمده اند. از جمله در سال 1387 مقام اول را هم در اداره جات کل استان تهران و هم در المپیاد سراسری تأمین اجتماعی کسب نموده اند. ضمناً در این سال (1387) قهرمان قهرمانان شده اند. در سال 1388 نیز در المپیاد سراسری ورزشی بانوان تأمین اجتماعی (در رشته آمادگی جسمانی) کل کشور و در مسابقات ادارات کل استان تهران (رشته آماده گی جسمانی) باز هم مقام اول را کسب نموده اند. ایشان نماینده ورزشی بانوان بیمارستان تأمین اجتماعی بوده و طی چهار سال متوالی همواره مقام اول را در این مسابقات داشته اند. برای خانم بابایی آرزوی موفقیت‌های بیشتری داریم.

کوچ

هر که را پرسم، گویند از این شهر رفته اند
دوستان و آشنایان، جمله یاران رفته اند
قصه ها پایان پذیرفت، یادگاران گشته محو
یادها مانده بجا و یادداران رفته اند
شهر پر گشته ز اغیار و همه صاحب دلان
دل گرو بگذاشته و از شهر خوبان رفته اند
مادران جامه درند در پی فرزندان خویش
نالها مانده بجا، اطفال شادان رفته اند
شادی آنان ندارد استقامت یا دوام
بره ها دور از رمه مانده، پریشان رفته اند
کوچه ها هم در پی یاران زاری می کنند
بی تفاوت بر غم اقوام و خویشان رفته اند
ملک را بدرود گفته مانده دور از دودمان
باغ و بستان مانده برجاء، باغبانان رفته اند
همچو انسانی که گم کرده هدف در دور دست
این عزیزان مثل گم کرده میهن رفته اند
عیسی خانی خانه های بزم اینک سوت و کور
جمله خوانندگان، رامشگران نیز رفته اند

گورگیز عیسی خانی
اورمیه

تأثیر زبان سریانی در فارسی (بخش سوم)

د

دَکُت: گاورا = مرد، بزرگ (گبر)

دَکُت: گهه = گاه، دفعه

دَکُت: گوزه = جوز، گردو

دَکُت: گویه = ساکن، به فارسی جویا که در شاهنامه فردوسی آمده است: بیاید

یکی مرد گویا ز چین

دَکُت: گویه = گوی، کره

دَکُت: جوه له = جوال، گونی

دَکُت: گونه = رنگ

دَکُت: گورزه یا دَکُت = گرز

دَکُت: گزگزته = جز جز کردن

دَکُت: گزیه = جزیه

دَکُت: غزله = غزال

دَکُت: گزمه = جزم، حمله

دَکُت: جیبه = جیب

دَکُت: گیسه = گچ

دَکُت: گیزنه = گیج

دَکُت: گولته = گلوله

دَکُت: گلزه = سرقت کردن، جلز و ولز کردن باید از این کلمه باشد.

دَکُت: گنه = جان

دَکُت: گبارا = جبر، دلاور و شجاع و جبار

دَکُت: جاپا = جفا

دَکُت: جرگه = ردیف و جرگه

درباره جشن آغاز بهار

آغاز فصل بهار از هزاران سال پیش توسط اقوام مختلف جهان جشن گرفته می شده و هر کدام از این اقوام تفسیر ویژه ای برای این تغییر فصل داشته اند. بعنوان مثال یهودیان آغاز بهار را به پیاده شدن حضرت نوح از کشتی اش نسبت می دهند. در تفسیر آشوریها و بابلیها آغاز سال نو به فرود ایشطار به دنیای مردگان و بالا آوردن تموز از آنجا نسبت داده می شود. در کشورهای ایران و افغانستان و تاجیکستان و... این جشن بنام نوروز نامیده می شود و آداب برگزاری آن با فرهنگ ایرانی آمیخته است. این آداب شامل تمیز کردن خانه و حضور بر مزار در گذشتگان در پنجشنبه آخر سال و چیدن سفره هفت سین و دید و بازدید از اقوام می باشد. اما بعد از گذشت حدود 7000 سال از آغاز این مراسم هنوز میتوان آثار و نشانه هایی را در آن دید که نشان دهنده ارتباط ریشه ای آن با مراسم جشن سال نوآشوری و بابلی (اکیتو) است. جهت آگاهی خوانندگان عزیز به چند مورد از این نشانه ها اشاره خواهد شد.

1- سبز کردن سبزه: آشوریها و بابلیها قبل از شروع سال از هر کدام از غلات و حبوبات به مقدار کم می کاشتند تا با توجه به چگونگی رشد آنها تصمیم بگیرند که کدام دانه را بکارند تا در سال آینده محصول بیشتری بدست آورند.

2- حاجی فیروز: او که مردی با لباس قرمز و رویی سیاه بوده و دایره زنگی بدست با آواز خود نوید رسیدن بهار را می دهد، نمادی از خدای تموز است که با بازگشت از دنیای مردگان، زندگی به همراه او بر روی زمین باز می گردد.

3- سبزه بدر: با توجه به اینکه جشن های سال تو (اکیتو) در آشور و بابل قدیم طی دوازده روز برگزار می شد، روز سیزدهم روزی بود که مردم شرکت کننده در مراسم به شهرهای خود باز میگشتند. این بازگشت بعزت کثرت تعداد شرکت کنندگان بصورت یک راهپیمایی عظیم انجام میشد. بعد از 7000 سال اکنون آن بازگشت بصورت بیرون رفتن مردم از شهر و گذراندن آن روز در دشت و صحرا و به منظور رفع نحوست درآمده است.

اکنون با ثبت نوروز در سازمان ملل، این جشن کهن جهانی شده است و اکنون مردم جهان آگاهی بیشتری نسبت به آن پیدا کرده اند. جشنی که بنا بر گفته استاد مهرداد بهار آریایی نیست و از بین النهرین به ایران رسیده است.

طبیعت و فواید آن

خواص عسل و دارچین:

ریزش مو: کسانی که از ریزش مو یا کچلی رنج می‌برند، می‌توانند با روغن زیتون گرم و 1 قاشق سوپخوری عسل و 1 قاشق چایخوری دارچین محلولی درست کنند و قبل از حمام بس مالیده و پس از 15 دقیقه بشویند. حتی اگر 5 دقیقه بر روی سر بماند باز تأثیر دارد.

عفونت مثانه: 2 قاشق سوپخوری دارچین و 1 قاشق چایخوری عسل را به 1 لیوان آب نیم گرم اضافه کرده بنوشید. میکروب مثانه را از بین میبرد. دندان درد: 1 قاشق چایخوری دارچین را با 5 قاشق چایخوری عسل مخلوط و خمیر را بر روی دندانی که درد میکند سه بار در روز بمالید.

کلسترول: 2 قاشق سوپخوری عسل و 3 قاشق چایخوری دارچین را در شانه‌ها اونس (حدود نیم لیتر) چای دم شده بریزید و بنوشید. کلسترول خون در عرض 2 ساعت 10% پایین می‌آید. خوردن عسل با غذای روزانه نیز کلسترول را کاهش میدهد.

سرما خوردگی: اگر 1 قاشق سوپخوری عسل نیمه گرم را با 1/4 قاشق چایخوری دارچین هر روز بمدت سه روز مصرف کنید، سینوسها را زود تمیز کرده و سرفه‌های شدید را از بین میبرد.

توانایی بدنی: یونانیها عسل را برای تقویت بکار برده اند. مردانی که ضعف دارند، اگر بطور منظم 2 قاشق سوپخوری عسل را قبل از خواب میل کنند، مشکلشان برطرف خواهد شد. زنان نیز کمی دارچین را با 1/2 قاشق چایخوری عسل مخلوط کرده و بطور مرتب در طول روز آن را به لته بمالند تا به آرامی با بزاق ترکیب شده و وارد بدن شود.

گاز معده: عسل و دارچین گاز معده را از بین میبرد.

درد معده: عسل و دارچین درد و زخم معده را از بین میبرد.

کک و مک و جوشهای پوستی: 3 قاشق سوپخوری و 3 قاشق چایخوری دارچین را مخلوط نموده و خمیر فوق را قبل از خواب بر روی جوشهای پوست مالیده و صبح روز بعد با آب گرم بشویند. اگر هر روز بمدت 2 هفته این کار را انجام دهید، جوشهای پوست از بین میرود.

عفونتهای پوستی: مالیدن مقدار مساوی عسل و دارچین به قسمت های آسیب دیده عفونت و تمام انواع بیماریهای پوستی را از بین میبرد. کم کردن وزن: هر روز صبح نیم ساعت قبل از صبحانه با معده خالی و همچنین شب قبل از خواب عسل و دارچین را در یک فنجان آب جوش ریخته و میل کنید. خوردن منظم این ترکیب از انباشته شدن چربی در بدن جلوگیری میکند.

برای از بین بردن استرس

7 میلی لیتر عصاره پرتقال و 3 میلی لیتر عصاره گیاه رزماری را در یک بطری 10 میلی لیتری ریخته و آن را به شامپو یا مایع بدن شوی بدون بو اضافه کنید. همچنین 10 قطره از آن را به پنبه بزنید و در زیر سیگاری ماشین یا روی میز تحریر قرار داده هر چند وقت یکبار نفس عمیق بکشید. احساس شادابی و طراوت خواهید کرد. مصرف موز و کلم بروکلی نیز در این مورد مفید است.

برای جلوگیری از فشار خون

روزی یک لیوان آب انگور از هر دو رنگ فشار خون را پایین می آورد. 1 قاشق چایخوری رزماری خشک شده را در 1 فنجان آب جوش ریخته سرش را پوشانده و بگذارید 10 دقیقه دم بکشد. نوشیدن 3 بار در روز از آن رگهای خونی قلب را باز میکند و سردرد نیز برطرف می شود. از مواد زیر زیاد استفاده کنید: موز، بروکلی، سیر، بادام، انواع ماهی ها، روغن زیتون، سویا، اسفناج و گوجه فرنگی.

گیاهان معطر نفع شکن

ریشه آنجلیکا (درخت فرشته) ، تخم بادیان، روحی (انیسون) ، ریشه پیچ پیچک کانادایی، تخم هل، گیاه فلفل گربه ای، تخم کرفس، تخم گشنیز، تخم زیره سبز، ریشه زنجفیل، شامی (راسن)، ریشه جعفری، نعنا بیابانی، پوسته ساسافراین، نعنا، لوبیا و باقلای شیرین، زنجفیل وحشی و گیاه بومادران هزار برگ، آواکادو، مخلوط این مواد با غذا از ایجاد گاز معده جلوگیری میکند.

گرد آوری و تنظیم : بانو نینوی پتروس

شامیرام

بولتن داخلی
انجمن بانوان آشوری شامیرام

شماره 4 بهار 2010

صندوق پستی
14565-156